



وزارت آموزش و پرورش

اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان

اداره آموزش و پرورش شهرستان رودان

گروه آموزشی ادبیات متوسطه اول

واژه های مهم املائی
درس به درس فارسی
هفتم



تهیه کننده: گروه آموزشی ادبیات متوسطه اول

اردیبهشت ماه ۱۳۹۹ شهرستان رودان



سخنی با دانش آموزان عزیز:

لغات مهم برای املا در بخش لغات ادبیات فارسی

قسمت دیگر از بخش لغت و املا فارسی بخش مربوط به املا است که شما باید با آن آشنا شوید. نکته بسیار مهمی که باید به آن توجه داشته باشید این است که لغات مربوط به املا را تنها در کلمات تشکیکی نمی‌دهند؛ در صورتی که تمام لغات در کتاب فارسی هستند از لحاظ املا اهمیت بسیار زیاد برخوردار هستند که شما باید به خوبی آن‌ها را مطالعه کرده و یاد بگیرید که به درستی آن‌ها را بنویسید.

نکاتی مهم قبل از تمرین امل

* ابتدا کل متن درس‌های فارسی را بخوانید و زیر کلمات مشکل آن خط بکشید و با نوشتن کلمات هر درس در دفتر تمرین شکل صحیح کلمات را به خاطر بسپارید چون کلمه‌ها فقط از راه دیدن شکل آنها در ذهن ثابت می‌مانند. تا جایی که امکان دارد هم خانواده کلمات را به یاد داشته باشید تا در نوشتن کلمه دچار تردید نشوید. سعی کنید معنی لغات را یاد داشته باشید چون در نوشتن شکل صحیح آن کلمه تأثیر بسزایی دارد. در پایان متن‌های پیشنهادی را به صورت روان خوانی بخوانید و سعی نمایید که لغات مشکل آن را مشخص کنید و باز هم در دفتر تمرین شکل صحیح آن را بنویسید. (یک بار یا چند بار با سپاسگزاری از همراهی شما دانش آموزان عزیز

علی احمدی سولقانی سرگروه ادبیات متوسطه اول شهرستان رودان

اردیبهشت ماه ۱۳۹۹



الهی، دلی ده که در کار تو جان بازیم؛ جانی ده که کار آن جهان سازیم، دانایی ده که از راه نیفتیم، بینایی ده تا در چاه نیفتیم، دست گیر که دستاویز نداریم، توفیق ده، تا در دین استوار شویم، نگاه دار تا پریشان نشویم.

الهی نامه، **خواجهدالله** انصاری

– تشخیص شکل صحیح حروف و درست نویسی از اهداف املاست.
– در هنگام نوشتن املا از به کار بردن واژه‌های «هم‌آوا» به جای یکدیگر پرهیز شود.



درس اول: زنگ آفرینش صفحه (۱۲)

غوغا – گفت و گو – موضوع تازه ای – از روی برگ گل برخاست – ذره ذره – ابد – نسیم – راز و نیاز – گنجشک – رها – رهسپار – افق – گلدسته ها – زائر – حرم – زنگ تفریح –



حکایت : اندرز پدر صفحه (۱۷)

ایام – طفولیت – متبّد – رحمه الله ﷺ – علیه – مصحف عزیز – طایفه‌های – خفته – دوگانهای بگزارد – خواب غفلت – بختی – به از آن – پوستین –



– در نوشتن املا به نحوه تلفظ و مطابقت آن با شکل نوشتاری دقت شود.
– پس از پایان املا، متن را یک بار دیگر مرور کنید.



درس دوم: چشمه معرفت (صفحه ۱۸)

کنجکاو - خستگیناپذیری - طبیعت - کنجکاوانه - مینگریستم - روحم - هیجان - احساس - چشمه‌های معرفت
– آبهای زلال سرگوارا - فه دانایی لحظه‌ها - آفریند اله - زیبای طبیع - عظم جلا - ج‌جاز
خالق - لمس - غرقه شکوه - اعجاز - خلقت - نوازش لطیف - پاهای برهنه‌ها - جوشش چشمه‌ها - روح مذاق -
بازهنفس - زلا - نیرومند - گامها استوار امید وار شتابا - ده‌ها خش زمی - صده کشتزا سوخت
نگاههای پژمرده هزاران درخت تشنه - رگهای خشکیده جویهای مزرعه - سبزه‌ها و کشته‌های سیراب - باغ و صحرا
– شاخه‌های خویشت - برافراشته - دعا - پرنشاط - گلبوته‌ها - امیدوار ذرتها - گوش نسیم - آمین - غرور و
مهربانی - خشنودی - درختها و بوته‌ها - مینگریستم - دیرینه - خویشتانم - عظمت - هنوز - حس - نسیم -
کودکان خویشت - به نشانه احترام و وداع - آخرین نقطه دید - از نظرم ناپدید میشد - تکان دادن - احساسات - اما
– پاکی وصفای این طبیعت - سبزه‌های معصوم - میاندیشیدم - زمزمه - هوشیار

– در نوشتن املا دقت و سرعت موجب می‌شود تا متن آن به دور از هرگونه خطا

باشد.

– واژه‌های هم‌آوا از مباحث دشوار املائی است. شناخت شکل درست آنها به

معنا و کاربردشان در جمله، وابسته است.





روان خوانی کژال : صفحه (۲۳ الی ۲۸)

کژال - روناک - لپ - به سینه فشرد - احوال پرسی - گالش های لاستیکی - شش صخره - صدا زوز نلن مٹ علف در باد می لرزید - هه ژار... هه ژارا - مثل تیغۀ داس - تیرکی - حمله ور شد - زمین را خیش می کشید - دایه ات بمیره، رو لۀ - آزاد معطل نماند - جهید - گرگ، خرناسه می کشید - مشت بر چشم های او می کوبید - گرگ زوزه کشید - پابرهنه - حلقه - رها - هرچه قوه داشت، به ساق و بازویش ریخت - جیغ زنان و مویه کنان - دست و پانش از تقلا افتاد - انفس زنان برخاست - اطفال خوب استا؟ - اقداقه .

نسل آینده ساز



درس سوم: نسل آینده ساز صفحه (۳۲ الی ۳۴)

چشمۀ جوشان - نیرو و استعداد - آینده خوب - اهل فکر کردن - تحلیل کردن - امتیاز - دشمنان این ملت - به عنوان نقطه مرکزی - مشاهده - نسل جوان - آزاد و مؤمن - بهرغم تلاشها دشمنان واقی عک بهمیچوجه - حرفها و تحلیلها - در برخی از مطبوعات - رسانهها - انحراف نسل جوان - اشتباه و خطایی - کاملاً جبران - صلاحات ااکدامن اارسای صداق جوانا شو شعومت ه صا دانشمندا جهان اعترای - پشتوانۀ ایمان - همت و غیرت - استعداد جوشان و پنهان - خرمشهر - اوایل - ریاست جمهوری - هیئت جهانی - رئیس - وضع شما - تفاوت - بسیجیان - ارتش - استحکاماتی - پشتیبانانش - جامعۀ ما بحمدالله - میلیون ها - مایۀ افتخار - ملت - استعداد - ببالد - کار هوشمندانه - مؤمنانه - پشتوانۀ ایمان - درس و مدرسه و معلّم - میلیونها جوان - درس خواندن - حفظ ایمان - رستگاری و پارسایی - پاکدامنی شان - این منطقه - فردای شکوهمندی - ایران مقتدر - ایمان و پاکدامنی تان - حفظ - جوانیتان - نیرو و نشاط - ارزشهای والا الّا .
سالمهای طلای عم خدا متعا فرصت خو دامان گر مهربا نظا اسلا - ججون مؤ - ددر خویش .





درس چهارم: زیبایی شکفتن (صفحه ۳۹ الی ۴۰)

دورهٔ نوجوانی - شور و شوق - معمولاً - حسرت - دور انتقال تقریباً - یازدهسالگ - هجدهسالگ - بر فراز
 فرود - وابستگی و استقلال - شبیه به رؤیای کمحصولگ - دلخوریها بیهود - زشت تاریخ لحظهها زندگ
 لذت - جویبار باصفا - زلا گوارا زندگ گلا لول - رابط رفتار شخصیه نگاه امیدوار نشا
 کیمیا - استقلال طلب کنجاو جلو بیهود نی را علا - مطاب آموخت - پرررمزور - شگفتیه
 طبیعت - درسها و اندرزهاست - تأمل و تفکر - بصیرت - تمیزی و پاکیزگی - پرشکوه الهی - همراه و همسایه -
 نوشتن به خط خوش - مهارتهای دلنشین هنری - نوشتهها و تصاویر زیبا - محبت و امید - آفریدگار همهٔ زیباییها.

- کتاب درسی فارسی می‌تواند یکی از منابع شناخت املائی واژگان باشد.
 - یکی از راه‌های تقویت املا، پرورش مهارت خوب گوش دادن است.



درس پنجم: قلب کوچکم را به چه کسی بدهم؟ (صفحه ۵۰ الی ۵۴)

گلدان خالی - زشت - اذیت - مدتی - یعنی - چطور - واقعاً - حقیقت - توی قلب - تمیز - مهمانخانه - دو سه
 ساعت - دو سه روز - لانگنجد بها لایه هته تصمیه خیل راه نص قلب معلو و
 - عظم - هر دو تاشان - چطور - فوراً - گوشهٔ خالی - عموی خوشاخلاق حساب شلو شد راه ول شد
 بودند - هیچ گلهای از تنگی جا نداشتند - نوبت کی ها بود - نصفهٔ خالی - خوشحالی و رضایت - محلهٔ ما - همهٔ
 قومو خویشها - تقصیر من که نیست - حتماً - با زحمت - صندوق - یواشیاوش - یکدفعه - دشمن - محله - یک
 عالم جای خالی - انتخاب کردن بس است - سربازخانه - به شرطی - کثیف - زور - عجیب - واقعاً معلوم - چطور -
 مربوط - بفهمم - مهربان.





حکایت دعای مادر (صفحه ۶۴)

بایزید بسطامی رحمه الله علیه - ابتدای کار - دهساله - عبادت - نزد من بخُسب - مخالفت - خواهش - دشوار - پذیرفتم - خوابم نبرد هزار قل و هاله ^{أحد} - خوانده بودم - خشک شده بود - ای تن - رنج از بهر خدای بکش - دعا - یا رب - خشنود - درجتش - درجه اولیا - در حق من مستجاب شد - مرا بدین جای رسانید.



درس هفتم: زنگی همین لحظه هاست (صفحه ۶۵ الی ۶۷)

مجموعه‌های - بهشتاب می‌گذرند - هرگز - وقت طلاست - بدو تردید - صر و ق - دقایق تلفشد - بیهود
 قرنهای طولانی - جها - دلآزرد - جستوجو آ - زیور - تل شد و ق خوی - ناراح - عم حقیق
 - شناسنامه ما - تعیین - زیستن - اسکندر - دراثنای سفر - گورستان - عبور - سنگ مزارها - حیرت - مدت حیات
 صاحبان قبور - رو سنگها حک شده بود - ده سال - تجاوز - پیش خواند - صفا - نظری دیگر - خوردن و خفتن -
 قسمت اعظم عمر - غفلت - سپری - حد اکثر - موفق - فرصت حال - گذراندن - افسوس - منظور - خنده‌های
 بیهوده - خوشگذرانی - به قول بعضی - الکیخوش بودن - خوشی واقعی - گره از کار دیگران گشودن - دوستدار
 - تقسیم - منها - دقایق گرانبها - مقصود - دائماً - کوشش و اضطراب - راحت و آرام - حرام - ساعاتی - مصاحبت



دوستان - بازیهای تفریحی - مصرف - اوقات تلفشده - زیباییهای آفرینش - سبزهها پرستاره - شگفتی و اعجاب - ساحل دریا - جزء زندگی - تأمل - عبرت - لحظهها غصه و اندوه - نهجالبلاغه - مژده گذشته ابرها

— هنگام نوشتن فعل‌های ماضی سوم شخص جمع، مراقب باشیم که آنها را به شکل صحیح نوشتاری بنویسیم، مانند: «خوردند» به جای «خوردن».

— کلماتی مانند عیسی، موسی، مصطفی و ... باید به همین شکل نوشته شوند؛ هرچند تلفظ آنها متفاوت با شکل نوشتاری آنهاست.

سفرنامه اصفهان



روان خوانی سفرنامه اصفهان (صفحه ۷۰ الی ۷۷)

اصفهان - محصولا صنای دستی ل ولوه - عی خیاا نبود قو یو عاز اصفها م باش
خداحافظی - حالا کنیدا دفتره صدبر کاه خرید خو خ عل هوهو بام تو قام
رعنا - طاقت - هر وقت خدا خواست - دم دمای سحر - اوقات تلخی - مسجد شیخ لطف‌الله - اهالی تعمیرگاه -
هرهر بنا کرد به خندیدن - رفت تو نخ شل کردن پیچ - کامیون قراضه - بالأ خر وصالا س رفت بو دیز
اصفهان درختان عظیمی دارد - مناره‌ها - هیكل كلا - عمار عالقاو نظر م‌خ عی کرد ت غرو هم ی
جور غلاف بودم - لباس هایش را عوض کرد - عیالم مریضه - فرصت نوشتن نبود - جماعتی - تصدیق -





درس هشتم: نصیحت امام (ره) صفحه (۸۰ الی ۸۱)

نصیحت امام (ره) (امام محمد تقی، علیه السلام) نامها نصیحت آمیز یارا خود همه سا تر نشد
 - بتشکنی - نامه محبت آمیز شما - قرائت کردم - محتاج آنم - بانشاط و خرمی - درسهایتان - در همان حال -
 وظایف اسلام عم کنی اطاعت غنیمت راضی احترام زیبا بگذارید خداوند تعالی سلامت و سعادت
 ترقی - علم و عمل - شهر صفر -

- در نوشتن املا دو کلمه گزاردن و گزاردن نباید این دو را باهم اشتباه کرد.
 گزاردن به معنای ادا کردن و به جا آوردن و گزاردن به معنای نهادن و قرار دادن است.
 - بهتر است هنگام شنیدن نشانه های اختصاری در املا، شکل نوشتاری کامل آنها
 نوشته شود؛ مانند «ص»: صلوات الله علیه.



شوق خواندن (صفحه ۸۲ الی ۸۳)

علاوه محمد تقی جعفری - کنجکاو و دقیق - دامن طبیعت - لذت برد - دقایقی طولانی - خیر میشد نشاء
 عجیبی احساس میکرد - صدای پرندگان - در هم می آمیخت - گوش می سپرد - تلخترین خاطرات - تیر کمان -
 صید پرندهها - احساس بیزاری و تنفر میکرد - حیاط مدرسه - همکلاسیها: هیچ شایسته طبیعت
 خشونت - سعی - مثل گشتوگذار در صحراها - حل مسائل ریاضی - خواندن جغرافیا - به وجد می آمد - او تعجب
 میکرد - بعضی - اندازه بازی کردن - موقع شنیدن - خواندن شعر - احساس شادی - اولی ساعات حضورش - در



قم - حرم حضرت معصوم (س) - پناه برد - سر بر ضریح - حضرت - از خداوند خواست - راهی که انتخاب کرده است - اخلا ه ّ بلذ عط کند آرام نشا بیمار کسالا شف شو خواند عط مطالعه - مشتاقانه - مدرسه دار الشفای قم - اندیشه‌هاش - حجرهای ساده - نصیب - فضای آن - گلیم کهنه - مطالعه و اندیشیدن

- یکی از راه‌های تشخیص شکل درست املاي کلمه‌ها علاوه بر توجه به معنا، دقت در رسم الخطّ رایج زبان است؛ مانند: خواهش، بالاخره و ...
- کلمه فراغ به معنی آسودگی و کلمه فراق به معنی جدایی است. تشخیص درست این دو کلمه در هنگام املا از راه مهارت شنیدن و معنی جمله میسر است.



درس نهم: کلا ادبیا (۸) ۸

ساکت ساکت - معلّم ادبیات - نظام و فا - جاذبه‌های شعر - قدم‌های شمرده - تأثیر شعر - با دقت - ناگهان نگاهش - روی چهره نیما - عمق چشمها - به خود جذب میکند - با دستپاچگی -ها (بله)؟ بله - ویکتور هوگو - قبلاً ترجمه - دست‌هایی لرزان - حرارت و شور و نشاط - از خجالت سرخشده است - شعر فارسی چطور - مطالعه - لحن گرمش - خیلی عالی است - نظامی - صحنه‌های شعرش - استاد بینظیری - رزق روحم - دلتنگی - جرئت‌م میبخشد.





مرواریدی در صدف

مرواریدی در صدف (۸۸ الی ۸۹)

کوشا و اهل تفکر - یازدهسالگی - اشعار فردوسی - نظامی - مولوی - ناصر خسرو - با استعداد - مرواریدی در صدف - مراقبت - گاهی - قطعه‌های زیبا - شعرهای عربی، ترکی، فرانسوی، انگلیسی - تشویق - شاعران قدیم - قافیه‌هایش - تغییر - تجربه بیندوزد - پروین اعتصامی - خواننده - مرغک خرد - تحسین و تشویق - نوابغ ادب - نظیرش.

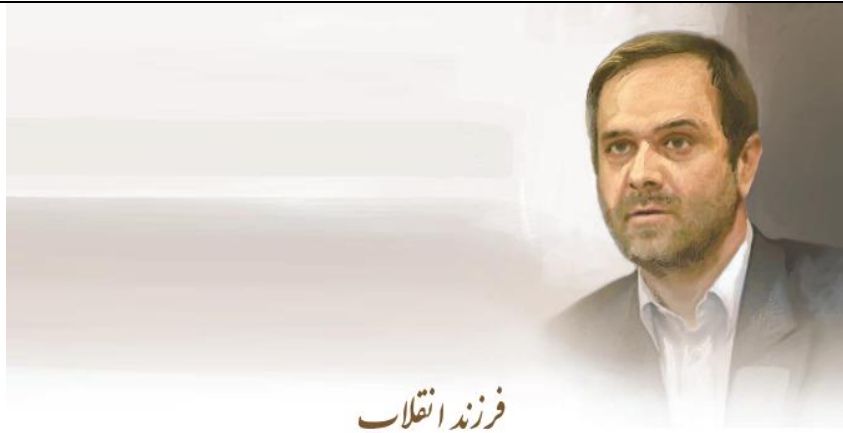


زندگی حسابی

زندگی حسابی (۹۰ الی ۹۱)

دکتر محمود حسابی - سختی و فقر - یادآوری خاطرات - تسلیم - در برابر دشواریها بایستد - چیره صبر و طاقت - ناسپاسی - پروفیسور خواندن و پژوهش - فراغت - آب حوض - پروایی نداشت - حافظ قرآن - واجبات دینی - تلا و آیا شیو صحی در کام معازامو فبنا ی قطعاً صنعت اساساً شد حدو هش ماه - تراشکاری - به یک بیسکویت راضی میشد - موردنظر - واردات - راه شکوفایی - استقلال کشو کوش افراد جامعه - علم بدون عمل - ادب فارسی - عشق میورزید - با دقت - مطالعه - دیوان حافظ - لذت - معتقد - غزل حافظ - غلط - نادرست - دل بستگی - آراسته - نوازشگر - دیدگان رهگذران - مشتاقان آن استاد - ملک وجود - نیرزد - بیازاری.





فرزند انقلاب

فرزند انقلاب (۹) ۹۱۱

سعید - علاقه مطالعه ره دور دبیرستا نمایشنامه ابوذ عش شخصیتها ه بن سا هجد
معلم هنرستان - هفدهساله - تقریباً - صدای دل نواز قرآن - خلوت - زمزمه - آیات - حافظه - همسفر - تلا و
زیبای قرآن - فوتبال - علاقه مند قرات مشاعر ذه لبریه عنوا هم توا ژژوهشگر نوآو وص
- فرزند صالح انقلاب



أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَتْ مَسْئُولًا
سوره اسراء / ۳۴
به عهد و پیمان وفا کنید،
زیرا [روز قیامت] درباره پیمان بازخواست خواهد شد.

درس دهم: عهد و پیمان (۹۷)

شهید رجایی - معلمی متواضع و صمیمی - دقیق و منظم - جدی - رئیس جمهور - زنگ تفریح - گفتوگو
دانشآموختگی - رشته دوستی - قطع - سال تحصیلی - در حد توان - پای بند - موظف - توصیه - خیر و صلاح
عمل کنید - تکالیف تعیین شده -

- در املاي کلمات مرکب، نوشتن هر دو شکل (جدانویسی و سرهم نویسی) درست
است، مانند: خوش حال / خوشحال، کتابخانه / کتابخانه، راهگشا / راهگشا
- کلمه صلاح به معنی خیر و نیکی و کلمه سلاح به معنی ابزار جنگ است. در
هنگام نوشتن املا به تلفظ و معنی آنها دقت کنیم.





عشق به مردم صفحه (۹۸)

جمع‌های اردیبهشتماه - قم - حرم مطهر دم در صحن - اتومبیل - عرق کرده بود - وضع - نفس نفس



رفتار بهشتی صفحه (۹۹)

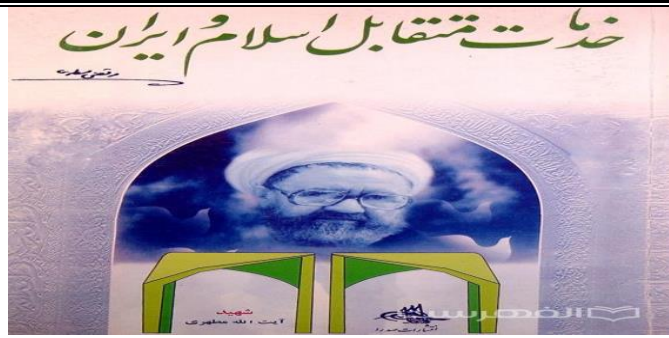
فرد بسیار منظمی - سر ساعت - جلسه - برنامه ورزش - خوراک و مطالعه - دقیق و معینی - عوض نمیشد - پیدایش این خصلت - سؤال - آقای بهشتی.



گرمای محبت صفحه (۹۹ الی ۱۰۱)

خلوتتر از همیشه - مصطفی چمران - هجوم باد - یقه لباسش - عیبی ندارد - تحمل - موقعی - حتماً - از سرما خشک نمیشود - طولانی - آرا ضعیف - شباهت - درخت کهنسال - عابراً - سع زوز با ا - نمیکرد - کمی مکث کرد - صدای به هم خوردن سگ‌ها - غلتیدند - همین احساس -





درس یازدهم: خدمات متقابل اسلام ایران (صفحه ۱۰ - ۱۱)

اولین - سلمان منّا اهلا لبیت - آیین و قانونی - متعلق - زبان خاصی - هیچ مانع - پیروی - تکلم - زبان خاصی - آثار گرانبها - شاهکارهای ارزندهای - مثنوی - آثار نظامی - صدها اثر زیبا - مفاهیم اسلام - ظهور اسلام - موناگون - تمدن اسلام - سه عمده - در درگاه گراید - سلام - همد - پی شاش - م م شعلد - تمدن شکوهمند - تمدن اسلام - حاصل - هو لیاق - استعداد خود - ثابت کند - پیششویای و مقتدا - پذیرند - سهم عظیمی - تکمیل و توسعه یک تمدن - اخت صاص - نظیر - ابوریحان - خیام - خواجه ن صیر الدین نوسی - ملا صدرا - صدها عالم طبیعی - مورخ - ادیب و فیل سوف - عارف - بنای عظیم - صمیمیت - اخلا احساسات پاک - بنای عظیم - شاهکارهای بشری - عشق و ایمان - معماری - جوشش روح - ذوق ایرانی - مظاهر خدمات فرهنگی - ادبا و عرفا - حقایق اسلام - جام زیبا - شع نثا س ب ن چا س - معاذ لطیف قرآنی

- در املا از خط تحریری شکسته استفاده نشود.

- بهتر است هنگام نوشتن املا با توجه به آهنگ، مفهوم و پیام جمله‌ها، نشانه‌های

نگارشی را رعایت کنید.





درس دوازدهم: اسوه نیکو صفحه (۱۱۴ الی ۱۱۷)

پیامبر گرامی اسلام ﷺ ؛ عبدالله () اسو عالمیا بزرگوا مه عطوف ا سجد برمیخاسد
 پوسه - صورتشان - رأفت - آنس بن مالک - مدّت ده سال - تندخویی - سخن درشت - در میان جمع - سیمایی
 محزون و متفکّر - خیره - عیادت - بیشتر اوقات - اختیار - بیش از حدّ لزوم - جز در مقام دادخواهی - حضور -
 حریم قانون - گذشت و مدارا - تجمل - دوری میجست - بانگ اذان - منزل - خانوادهاش - شاعر - نویسنده توانای
 زبان و ادب فارسی - اعتدال - ظلا عشم ﷺ ؛ است

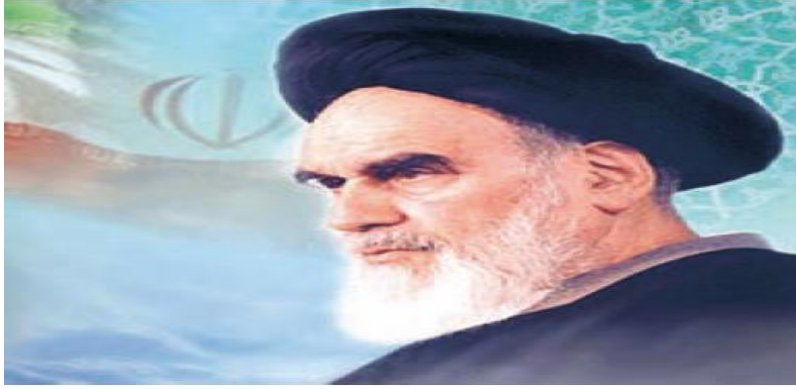
– در نوشتن کلمه‌هایی که یک صدا ولی نشانه‌های متفاوت دارند، دقت شود.
 – به محل و تعداد نقطه‌های حروف در واژه‌ها، دقت کنید.



حکایت چراغ صفحه (۱۱۹)

نابینایی - سبو - از بهر کوردلا تاریکاندی ت ب م تن نزنند بهارستان





درس سیزدهم: امام خمینی (ره) صفحه (۱۲۰ الی ۱۲۳)

مسیر تاریخ ایران و اسلام خواه کر آزادیخوا بزر ترید بانو عال فاطمه زهر سلام لله علی
- متولد - تولد روحا - صدی شلک گلو - کوهستانه ی مین خمین و ار - سدسوی سرفر - مزدورن خ
- ناجوانمردانه - هدف گلوله - هیچ خاطرهای - سنّ تحصیل - مکتبخانه - هفتسالگی - ختم - حوزه علمیه -
تأسیس - عالم بزرگ آیت الله - عبدالکریم حائری - سعی - فروتنی - نظم و دقت - سیمای جذّاب - خصوصیات
اخلاق اعتقاد خلد تأثی درگذش آیتاللهالعمی بروجسبسیری لّزء - و روحان - رمرج
- مبارزه آشکار - طرفداری و اطاعت - مخالفت - حکومت پهلوی - رهبر نهضت اسلام به نشان اعتراض حمای
- تظاهرات - مأموران شاه - شهر نجف عراق - تبعید - شهر نجف عراق - به طرز مرموزی - علا و به تدری د
حوزه علمیه نجف - تألیف - ظلم و ستم - کشورهای استعمارگر - برافراشته - به درخواست شاه - اقامت - ممنوع -
ناگزیر - پاریس - رهبری نهضت - بر عهده گرفت - نیمههای پاییز - فعال - اعتصاب - تظاهرات - استاد - گریخت
- وطن - استقبال - باشکوه - میهن - نظام شاهنشاهی - واژگون - پایهگذاری - خصوصیات - دوران جوانی و
میانسالی خویش - فروتن - محبت - محبوب - مایه افتخار - شبی غم بار و تلخ - جمهوری اسلام ایرا میرا
گرانبهای - سپردهشده - جان خویش - نگهبانی.

— درس املا، فرصتی است برای ارزشیابی مهارت‌های «گوش دادن» و «نوشتن».

— کلمه‌های مخفّف (کوتاه شده) معمولاً باید به همان صورتی که تلفّظ و شنیده

می‌شوند، نوشته شوند.

— بعضی از کلمه‌ها دو املائی اند؛ یعنی به دو شکل نوشته می‌شوند، مانند: اتو،

اطو — علایق، علائق — بلوار، بولوار





روان خوانی مرخصی صفحه (۱۲۶ الی ۱۳۱)

مرخصی - جبهه - از جواب دادن طفره می رفتیم - بالأخره اعزا الحمد لله سوءظ سا سا ل صراط
عصبانی - حلا ک دزفو قطا منظر موضو هم ا تقییه توست اعلام کد - صوت خ - ررو
- بقچه کوچکی - از غذایت هم کم و کسر نگذار - محوطه راه آهن .



روان خوانی چرا زبان فارسی را دوست دارم؟ صفحه (۱۳۸ الی ۱۳۹)

نخست - لفظ مناسبی - دلبستگی - عشق ورزیدن - ایرانیان معاصر - هموطنانم - همدلی و همزبانی - همراه و هم
نوا - هم آواز - حکیمان - سخنان عالمانه - حکمت آمیز - اندرز - فهم معارف - مناجات مؤمنان - معبود و محبوب
- راز و نیاز - احساسات - مهر بورزم - فرصت - بستر و بالین - نسیم و مهربان - پری لطیف - شالیزارهای میهنم -
شاهنامه - دل نوازی - وطن - تا جیکستان - می مکم - تغذیه - نظم و نثری دلپذیر - استوار - تحسین - خوار شده
- خدشه و خطری - حکایت.



– نشانهٔ تنوین به صورت َ ن خوانده و شنیده می‌شود اما در املا، این نشانه به شکل «اَ» نوشته می‌شود. مانند: اصلاً، جداً، مرتباً و...
 – برخی از کلمات، در گفتار دچار تغییرات تلفظی می‌شوند اما در نوشتن، شکل مکتوب و نوشتاری آنها، باید مورد توجه باشد، مانند: اجتماع، مجتبی و...



درس شانزدهم: آدمآهنی و شاپرک صفحه ۱۴۲ الی ۱۵۰

آدمآهنی قصهٔ ما – بهترین و جذاب ترین – چندین مرتبه – حرکت جالب بازوان آهنینش – سر جعبه ماندش – با تعجب – سوالات – فهرس زردآل و آ – برنامه‌ریز لرز بعضی‌وقا مودیان ترو درختا بلو – تکهای – غلط – حتی – تحسین – حالتی خوشایند – ملاقا ا لهادم توج – انبه تماشاگر با عصبانی – مسخره – رئیس – وضعیت – تشویق – جوابهای درست و بهموقع – مطمئنم – استراحت – نجوا – صدای غرغش ماندی – مؤدبانه – مرتباً – خُقاش بدجنس – آویزان – خداحافظ – زمزمه – بهراحتی – رو شانهام – با بیصبری – رفتارش عجیب بود – خیره – التماس – نتوانست اورا ببلعد – به شدت – صدای غرغز ماندی – نفسنفسزنان – بیاحساس – بازدیدکنندگان کنجکاو – دور او حلقه زدند – فشرده – سوآلا برنامه‌ریزیشد بازوان ملا سفید – آسیب – دایم می گوید.

– کلماتی همچون «بلیت، اتو، توس، اتاق، قورباغه، ...» واژه‌هایی هستند که گاهی به صورت «بلیط، اطو، طوس، اطاق، غورباغه و ...» نیز نوشته می‌شوند، اما شکل اول مناسب‌تر است.
 – در شکل نوشتاری کلماتی همچون «خواهر، خوش، خواستن، خواهش و...» حرفی وجود دارد که خوانده نمی‌شود. به خاطر سپردن شکل املائی آنها از نکات مهم املائی است.





درس هفدهم: ما میتوانیم صفحه (۱۵۴ الی ۱۵۸)

دونا - بازنشستگی - فرصت - بهعنوان بازرسی - تسهیلات - فراهم - نیمه - کلا - پیکر کن اورا - ضضر
 - تقسیم - نصف ورقه - باراده و سماجت - عجیبی - به شدت - همه کاغذها - آبن - بهجای مُشت - حملا مش
 - عاقبت کار - صفحه جدیدی - وسط راه - بالآخر - انتها زمی - بهسرء د آنج گذاشتند دو گودا
 همینطور - اطاعت - یاد و خاطره - حضور - متأسفانه - انجمن شهر - جایگاه ابدیاش - عنایت - حرکت شکوهمند
 - همه عمر - در ذهن آنها نقش مییست - مجلس ترحیم - برگزار - اعلامی ترحیم - تاریخ - آویزا - مراسم
 تدفین.

— نشانه تنوین به صورت ن خوانده و شنیده می شود اما در املا، این نشانه به
 شکل «ا» نوشته می شود. مانند: اصلاً، جداً، مرتباً و...
 — برخی از کلمات، در گفتار دچار تغییرات تلفظی می شوند اما در نوشتن، شکل
 مکتوب و نوشتاری آنها، باید مورد توجه باشد، مانند: اجتماع، مجتبی و...



روان خوانی پیر دانا صفحه ۱۶۲ الی ۱۶۵

ضعیف و ناتوان - نصیحت - به تو احترام بگذارند - دوستی صمیمی - صاحب خانه - ضعیف - راضی - مأموران -
 انباری و کاهدان - موفقیت - مورد توجه همگان - ارواح و شیطان - شایعه - چرا اخم کرده ای - غصه نخور - فرصت
 - فرمان عجیبی صادر کرد - اگر درست و عاقلانه عمل کنی ارزش خسته انعا بسیار خوب هم گیر - نزد ی
 ظهر - طنابی به گردن خرگوش بینداز - پسر، شاه را روی بالکن دید - جلا د - محصول -



متن شماره ۱) نوبت اول

الهی، دلی ده که در کار تو جان بازیم؛ جانی ده که کار آن جهان سازیم، دانایی ده که از راه نیفتیم، بینایی ده تا در چاه نیفتیم، دست گیر که دست آویز نداریم، توفیق ده تا در این استوار شویم، نگاه دار تا پریشان نشویم.

پدر را گفتم: از اینان یکی سر بر نمی دارد که دو گانه ای بگذارد. چنان خواب غفلت برده اند که گویی نخفته اند که مرده اند.

غرقه ی شکوه و اعجاز زیبایی خلقت بودم که ناگهان نوازش لطیف و خنکی را در لا انگشتا ااها برهنه ام احساس کردم، آب، جوشش چشمه ها!

آب، این روح مذاب امید و زندگی، تازه نفس، زلا ب گا ها استوا شتابا م رفت خور ب دهان خشک زمین برساند.

متخصصان و دانشمندان جهانی مجبور شده اند اعتراف کنند که جوانان ما به پشتوانه ی ایمان و همت و غیرت، توانسته اند استعداد جوشان و پنهان خود را آشکار کنند.

اگر نیروی جوانی و شادابی و چالاکی دور رتبه لعل تفک و بصیر همرا کنیم ب شکوفای خواهیم رسید، تمیزی و پاکیزگی، آراستگی و پاکدلی، ما را با زیبایی های جهان پرشکوه الهی همراه و همسایه می کند.

فرصت ها مثل گذشتن ابرها می گذرند فرصت های خوب: « این سخن زیبای نهج البلاغه یادما باشد عزیز را در یابند »

متن شماره ۲ نوبت اول

الهی، دانایی ده که از راه نیفتیم، بینایی ده که در چاه نیفتیم، دست گیر که دست آویز نداریم، توفیق ده تا در دین استوار شویم.

آب، این روح مذاب امید و زندگی، تازه نفس، جوان و نیرومند با گام های استوار و امیدوار شتابان می رفت تا خود را به دهان خشک زمین و صدها کشتزار سوخته و نگاه های پژمرده هزاران درخت تشنه برساند.



عزیزان من ایمان و پاکدامنی تان را حفظ کنید، درستان را خوب بخوانید و جوانی تان را قدر بدانید، این نیرو و نشاط باید در راه به دست آوردن این ارزش های والا برر شود وقت ه الان . . شما مرز ر ل ل ه
طلای م م و و قرا داری ددا متا ه ب شم م م ووا ه ررد

دوره نوجوانی دوره شور و شوق و شکوفایی است. دوره ای شبیه به رؤیا و زیبا است. زیبایی و قشنگی آن را با کم حوصلگی و دلخوری های بیهوده، زشت و تاریک نکنیم. می توانیم از لحظه های زندگی لذت ببریم و جویبار با صفا و زلا ووارا زندگی ر ل آلو نالازیم

متن شماره (۳) نوبت اول

الهی دانایی ده که از راه نیفتیم، بینایی ده تا در چاه نیفتیم، دست گیر که دست آویز نداریم، توفیق ده تا در دین استوار شویم.

آب این روح مذاب امید و زندگی، تازه نفس، جوان و نیرومند با گام های استوار و امیدوار شتابان می رفت تا خود را به دهان خشک زمین و صدها کشتزار سوخته و نگاه های پژمرده هزاران درخت تشنه برساند.

عزیزان من ایمان و پاکدامنی تان را حفظ کنید، درستان را خوب بخوانید و جوانی تان را قدر بدانید، این نیرو و نشاط باید در راه به دست آوردن این ارزش های والا خر شود وقت ه الان . . ش
امروز درسالهای طلای عم خو قرا داری خدا متعا ه ب شم کم خواه کر.

دوره نوجوانی دوره شور و شوق و شکوفایی است. دوره ای شبیه به رؤیا و زیبا است. زیبایی و قشنگی آن را با کم حوصلگی و دلخوری های بیهوده، زشت و تاریک نکنیم. میتوانیم از لحظه های زندگی لذت ببریم و جویبار با صفا و زلا گوارا زندگ ر گ آلو نسازیه.

دکتر محمود حسابی دوران کودکی را با سختی و فقر گذرانده بود ولی همواره می گفت: مهم این است که در مقابل سختی ها تسلیم نشد. اگر انسان در برابر دشواری ها بایستد بر آن ها چیره می شود، البته باید صبر و طاقت را از دست نداد و هیچ گاه ناسپاسی نکرد.

متن شماره (۳) نوبت دوم

سال دیگر که به روستا برگشتم، بر روی سبزهها و کشته های سیراب سرسبز باغ و صحرا را دیدم که



شاخه دستهای خویش را به آسمان برافراشته و دعا میکردند و کودکان پر نشاط گلبوته ها و نوجوانان امیدوار ذرت ها در گوش نسیم آمین میگفتند.

تا می توانیم بیاموزیم . این همه کتاب خوب و مطالب آموختنی ما را به سوی خود می خوانند . کتاب پر راز و رمز آفرینش و شگفتیهای طبیعت سرشار از درسها و اندرزهاست . اگر نیروی جوانی و شادابی و چالاکی ای دوره را با تأمل ، تفکر و بصیرت همراه کنیم به شکوفایی خواهیم رسید .

جامعه ما بحمداله زمیلیونما چون دخو و رر بر خورد را . ان ما افتخ ر بی ملت ما . ا . ملت باید به وجود این همه جوان ، ایت همه استعداد و این همه دلپاک و نورانی ببالد . جوان هم باید به کشور خود ، به انقلا خود ب نظا اسلا سی خد و به چرم برافراشته اس ام ود بدل و آیده را بس .
بله ، درست است . باقی قلبم ، یعنی آن نصفه خالی را ، با خوشحالی و رضایت ، دادم به همه آدمهای خوبی که توی محله ما زندگی میکنند ، و همه قوم و خویشهای خوبی که دارم و همه دوستانم ، و همه معلمهایی که بچه ها را دوست دارند ...

همه طاعت آرند و مسکین نیاز / بیا تا به درگاه مسکین نواز

چو شاخ برهنه بر آریم دست / که بی برگ از این بیش نتوان نشست

متن شماره ۴) نوبت اول

الهی دانایی ده که از راه نیفتیم ، بینایی ده تا در چاه نیفتیم ، دست گیر که دست آویز نداریم ، توفیق ده تا در دین استوار شویم .

آب این روح مذاب امید و زندگی ، تازه نفس ، جوان و نیرومند با گام های استوار و امیدوار

شتابان می رفت تا خود را به دهان خ شک زمین و صدهک شتزار سوخته و نگاه های پژمرده هزاران درخت تشنه برساند .

عزیزان من ایمان و پاکدامنی تان را حفظ کنید ، درستان را خوب بخوانید و جوانی تان را

قدر بدانید ، این نیرو و نشاط باید در راه به دست آوردن این ارزش های والا خر شود وقت

هم الا اس . . شم امرو در سالها طلا سی ع ر خد قدر دار و و خدی متعل م ه ش

کمک خواهد کرد .



دوره نوجوانی دوره شور و شوق و شکوفایی است. دوره ای شبیه به رؤیا و زیبا است. زیبایی و قشنگی آن را با کم حوصلگی و دلخوری های بیهوده، زشت و تاریک نکنیم. می توانیم از لحظه های زندگی لذت ببریم و جویبار با صفا و زلا و گوارا زندگی را آلو نسازیم.

متن شماره (۵) نوبت دوم

دنیا باور نمیکرد جوانان ما، بسیجیان ما و ارتش ما بتواند خرمشهر را با آنهمه استحکاماتی که دشمن درست کرده بودند، پس بگیرند.

مادربزرگم میگوید: «قلب آدم نباید خالی بماند. اگر خالی بماند، مثل یک گلدان خالی، زشت است و آدم را اذیت میکند.

امام از دوره نوجوانی سعی مس کرد در همه زمینها پیشرفت کند، مهربانی، سادگی، فروتنی از ویژگیهای درخشان ایشان بود. آدمآهنی آن قد از ملاقا به شارب خوشحا بو کا ا هلا متوه بز شن در هی نمایشگه نش

امید است بانشاط و خدمت ر می درسهایتان را خوب بخوانید و در همان حال، به وظایف اسلام که انسانها را میسازد عم کنی اخلا خود ر نیک کنی بدد ماد م ا هلا م بهایتا احترا زیا بگذارید

متن شماره (۶) نوبت دوم

در یکی از سال های نوجوانی که کنجکاوای خستگی ناپذیری داشتیم، برای فراگرفتن و فهمیدن وبه ویژه برای کشف کردن، سری به طبیعت روستا زدیم.

متخصصان و دان شمنان جهانی مجبور شده اند اعتراف کنند که جوانان ما با پشتوانه ایمان و همت و غیرت، توانسته اند استعداد جوشان و پنهان خود را آشکار کنند.

زیارت حضرت معصومه (س) به او آرامش بخشید. باز هم شوق خواندن و عطش مطالعه در وجودش زنده شد. مشتاقانه به سوی «مدرسه دارالشفای» قم به راه افتاد. از حرم تا مدرسه راهی نبود، تنها چند قدم.

ایرانیان خدمات بسیار شایانی به اسلام کردند از آنجا که ما را رو صمیمی و اخلاص و ایمان بوه اس

در زندگی از تجمل دوری می جست. در کارهای منزل به خانواده اش کمک می نمود و چون بانگ اذان را می شنید، به نماز می رفت.

اکنون جمهوری اسلامی ایران که میرا گرا بها است، به سهم مرد ایرا به ویژگی نوجوانا جوانا سر برد شد تا آ مانند جان خویش نگهداری کنند.

خداوند «نمی توانم» را قرین رحمت خود کند و به همه آنها بی که حضور دارند، قدرت عنایت فرماید که بی حضور او به سوی آینده بهتر حرکت کنند. آمین!

متن شماره ۷ نوبت دوم

او نصف ورقه را پر کرده بود و هنوز هم با اراده و سماجت عجیبی به این کار ادامه می داد. از جا بلند شدم و روی



ها بود « . نمی توانم » کاغذهای همه شاگردان نگاهی انداختم . همه کاغذها پر از

آدم آهنی آن قدر از ملاقا به شارر خوشحا بو کا طم توجه به زشن درهی نمایشا و وانبه تشاگرانی که

به داخل آمده بودند، نشد. وقتی انبوه مردم به سراغش آمدند و سؤالها را یکی یکی پرسیدند، او دو سؤال اول را با هم اشتباه کرد و به سؤال سوم هم جواب غلطی داد.

مهربانی، سادگی، فروتنی، خوش بیانی، نظم و دقت و سیمای جذاب از ویژگیهای درخشان ایشان بود . در همان دوران جوانی، صاحب خصوصیات اخلاق اعتقاد همد ش ک ساله بعد تأثیر بسیا زیاد به دیگر ا گذاش و دنیای اسلا ر دگرگو کرد.

در میان جمع، گشاده رو بود و در تنهایی، سیمایی محزون و متفکر داشت . هرگز به روی کسی خیره نگاه نمی کرد و بیشتر اوقات، چشمهایش را به زمین می دوخت . بیش از حد لزوم سخن نمیگفت و اجازه نمیداد کسی جز در مقام دادخواهی، در حضور او از دیگری بد بگوید.

استعدادهایی نظیر بوعلی، فارابی، ابوریحان، خیام و صدها عالم طبیعی و ریاضی و مورخ و ادیب و فیلسوف و عارف در این بنای عظیم فرهنگ اسلامی برور یافته اند.

احساس می کردم روحم چنان خستگی ناپذیر غرق فهمیدن بود که از هیجان می لرزیدم . یقین دارم که در کلا طبیعت زلال عظمه جاذبه خال را به هم وجو لم م کرد.

نمونه متن شماره ۸ نوبت دوم

وقتی می گویند قدر وقت را بدانید مقصود این نیست که دائماً در اضطراب باشید و راحت را بر خود حرام کنید. سواعاتی که در مصاحبت دوستان می گذرد در ردیف اوقات تلف شده نیست. (درس هفتم)

معلم با همان لحن گرمش ادامه داد: عالی است، نظامی در آرایش صحنه های شعرش استاد بی نظیری است.

پروین و سروده هایش آن قدر شگفت انگیز بودند که بزرگ ترین شاعران روزگار ما او را تحسین و تشویق می کردند. (درس نهم)

من خودم را مؤظف می دانم که برای خیر و صلا شم تلاش کند شام خودتن امؤف بداند ه ه صیه های من عمل کنید و تکالیف تعیین شده را به انجام برسانید. (درس دهم)

ادبا و عرفا و سخنوران ایرانی، حقایق اسلام را به جام زیبا شعر و نثر به نحو احسن آرایش داده اند و حقایق اسلام را در میا حکایاتی شیرین آورده اند. (درس یازدهم)



بیش از حد لزوم سخن نمی گفت و اجازه نمی داد کسی جز در مقام دادخواهی در حضور او به کسی دشنام دهد. (درس دوازدهم "دونا" دو سال تا بازنشستگی فرصت داشت، من هم به عنوان بازرس در کلاس شرکت می کردم و سعی داشتم در امر آموزش تسهیلات را فراهم آورم) در هفده

متن پیشنهادی شماره ۹) نوبت اول و دوم

عمر حقیقی را، شناسنامه ما تعیین نمی کند. زیستن و زندگی زیبا، تنها همان فرصت هایی است که با رفتارهای زیبا و کارهای بزرگ می گذرد. (صفحه ۶۵)

کتاب پر رمز و راز آفرینش و شگفتی های طبیعت، سرشار از درس ها و اندرزهاست. اگر نیروی جوانی و شادابی و چالاکی دور رفته بصیرت را بشکوفایم خواهیم رسید

تا می توانیم، بیاموزیم. این همه کتاب خوب و مطالب آموختنی ما را به سوی خود می خوانند. (صفحه ۳۹)

متخصصان و دانشمندان جهانی مجبور شده اند؛ اعتراف کنند که جوانان ما با پشتوانه ایمان و همت و غیرت، توانسته اند استعداد جوشان و پنهان خود را آشکار کنند. (صفحه ۲۳)

با نگاه های کنجکاوانه و تشنه به درس بزرگ طبیعت می نگریم. گوش می دادم، چشم می دادم، دل می دادم و روحم چنان غرق فهمیدن بود که از هیجان می لرزید. احساس می کردم هم اکنون چه شمه های معرفت از درون من سر باز خواهند کرد و آب های زلال سرگوارا فیه دانا را در ما خواه جوشید (صفحه ۱)

الهی، دانایی ده که از راه نیفتیم، بینایی ده تا در چاه نیفتیم. (صفحه ۹)

یکی از مظاهر خدمات فرهنگی ایرانیان به اسلام را خدمات اسکا را زبا فارس به اسلام کرنا. لاد و عر و سخنوران ایرانی، حقایق اسلام را به جام زیبا شعرت فارس به نحاحس آرای داد از حقا اسلامی معانی لطیف قرآنی را در میان حکایاتی شیرین آورده اند. (صفحه ۱۱۰)

در زندگی از تجمل دوری جسوت. در کارهای منزل به خانواده اش کمک می نمود و چون بانگ اذان را می شنید، به نماز می رفت. (صفحه ۱۱۵)

حالا ساها آروگشت سهروقم خواه به خوبگوید که نم توان، بیاعلامه ف نمی توانم و مراسم تدفین او می افتم. (صفحه ۱۵۸)

رسول اکرم با فرزندان خود به مهر و عطوفت رفتار می کرد و در میان جمع، گشاده رو بود و در تنهایی سیمایی محزون و متفکر داشت. (صفحه ۱۱۵)

مصطفی دستانش را بالا برد و بیامر گرفت وقت شت مصطفی باز شد، سگه ها غلتیدند و داخل دست بیامر قرار گرفتند. (صفحه ۱۰۱)



زیارت حضرت مع صومه (س) به او آرامش بخ شید. باز هم شوق خواندن و عطش مطالعه در وجودش زنده شد.

(صفحه ۸۳)

مادر بزرگم می گوید: " قلب آدم نباید خالی بماند. اگر خالی بماند، مثل یک گلدان زشت است و آدم را اذیت می کند." (صفحه ۵۰)

امروز دشمنان نمی خواهند دان شگاه و درس و معلّم با شد. در ستان را خوب بخوانید و جوانی تان را قدر بدانید. (صفحه ۳۳ و ۳۴)

آب، این روح مذاب امید و زندگی، تازه نفس، جوان، زلا نیر مند بگاها استوا امیدوا شتابا م رفت (صفحه ۱۸)

شهید رجایی، معلّمی متواضع و صمیمی و در کارش بسیار دقیق و منظم و جدّی بود. او به شاگردانش می گفت: " من خودم را موظّف می دانم که برای خیر و صلاح شم تلاش کن شام خودتن ا وظف بدانده ه وصی های من عمل کنید و تکالیف تعیین شده را به انجام برسانید." (صفحه ۹۷)

سال دیگر که به روستا برگ شتم، بر روی سبزه ها و ک شته های سیراب، درختان باغ و صحرا را دیدم که شاخه دست های خویش را به آسمان برافراشته بودند و دعا می کردند. (صفحه ۲۰)

عزیزان من، کار کنید؛ امروز دشمنان نمی خواهند دانشگاه و درس و مدرسه و معلّم باشند. (صفحه ۲۳)

رابطه و رفتار ما با خود، خانواده و دوستان، بسیار مهم است. چون شخصیت ما را شکل می دهد. (صفحه ۳۹)

شما امروز در سال های طلای عم خو قرا دارید خدا متعا ه ب شم که خواه کرد ا ای ف صت خوب زندگی و از دامان گرم و مهربان نظام اسلام بهتری استفاد ر بکنید (صفحه ۳)

پیامبر گرامی اسلام (ص) در آ آ و رفا و اخ سوۀ عالمیان است آن چنان که که خداوند مهربان در قرآن کریم می فرماید: " به درستی که رسول خدا برای شما اسوه و نمونه نیکویی است." (صفحه ۱۱۴)

فرزندان عزیزم، اخلا خو ر نیک کنی اطاع خدم مدرا مادرانتا ر غنیم شمارید بم ل هایتا احترام بگذارید. از خداوند تعالی، سعادت و ترقی در علم و عمل را برای شما نور چشمان آرزو می کنم. (صفحه ۸۱)

ایرانیان خدمات بسیار شایانی به ا سلا کرد از ک نشا دهند احساسا ll خالصا آنهاس زیر شاهکا های بشری تنها با عشق و ایمان پدید می آیند. (صفحه ۱۰۹)

وقتی در آخرین دید، اندک اندک صحرا از نظرم ناپدید شد، بار دیگر سرم را برگرداندم و با تکان دادن دست هایم به احساسات خاموش اما سرشار از پاکی و صفای این طبیعت و سبزه های معصوم پاسخ می گفتم. (صفحه ۲۰)



به شدت کنجکاو شده بودم. به ورقه معلّم نگاهی انداختم. او نصف ورقه را پر کرده بود. هر شاگرد هم حدّ اقل یک ورقه را پر از نمی توانم کرده بود. آن ورقه ها را در گودال دفن کردند و با احترام به سخنان معلّم گوش دادند. (صفحه ۱۵۴)

دونا معلّم مدرسه کوچکی بود و دو سال تا باز نشستگی فرصت داشت، من هم به عنوان بازرسی در کلاسها شرکت می کردم و سعی داشتم در امر آموزش تسهیلات را فراهم آورم (صفحه ۵۵)

آدم آهنی آن قدر از ملاقات با شاعر خوشحال بود که بلا توجه به شدن در های نمایشگاه و انبوه تماشاگرانی که به داخل آمده بودند نداشت. (صفحه ۱۴۶)

اکنون جمهوری اسلام ایران که میرا گرا بها است به سه هم مرد ایرا به ویژه نوجوانا جوانا سپرده شده تا از آن مانند جان خویش نگهداری کنند. (صفحه ۱۲۳)

از ویژگی های درخشوان امام خمینی مهربانی، سوادگی، فروتنی، خوش بیانی، نظم و دقت و سویمای جذّاب بود. (صفحه ۱۲۱)

دکتر حسابی به زبان و فرهنگ و ادب فارسی عشق می ورزید و آثار بیشتر بزرگان شعر و ادب را با دقت مطالعه می کرد. دیوان حافظ را به خوبی می خواند و از آن لذت می برد و معتقد بود که یک ایرانی نباید غزل حافظ را غلط بخواند و یا نادرست بفهمد. (صفحه ۹۱)

در اولین ساعات حضورش در قم به حرم حضرت معصومه (س) پناه برد. سر بر ضریح آن حضرت گذاشت و آرامش را شک ریخت. از خداوند خواست به او در راهی که انتخاب کرده است، اخلاص و بلذ عطا کند به قل نگران مادر نیز آرامش و نشاط بخشد و بیماری و کسالت او را شفا دهد. (صفحه ۸۳)

می گویند اسکندر در اثنای سفر به شهری رسید و از گورستان عبور کرد. سنگ مزارها را خواند و به حیرت فرو رفت؛ زیرا مدت حیات صوواحبان قبور که بر روی سونگ ها حک شده بود هیچ کدام از ده سوال تجاوز نمی کرد. (صفحه ۶۶)

زندگی حقیقی آن است که در جاست و جوی دانش و یا کار مفید و سازنده بگذرد. با این قرار، هیچ کس بیش از پنج و شش و حدّ اکثر ده سال زندگی نمی کند؛ زیرا قسمت اعظم عمر به غفلت سپری می شود. (صفحه ۶۶)

می گویند: قدر وقت را بدانید و دقایق گران بها را بیهوده از دست ندهید. صدقین صداین نیست که دائماً در کوشش و اضطراب باشند و آرامش را بر خود حرام کنید. ساعتی که در مصاحبت دوستان می گذرد یا برای گردش و ورزش و بازی های تفریحی مصرف می شود، در ردیف اوقات تلف شده نیست. (صفحه ۶۷)



توجه : ما لغات مشکل متن پیشنهادی را مشخص نموده ایم. چنانچه باز شما احساس می کنید که

متن، باز هم لغات مشکل بیشتری را دارد، مشخص نمایید و تمرین کنید.



نیایش

که احوال بَدَم را نیک گردان
چو گنجشکان، مران ما را ازین بوم
روانی ده که دیدار تو جوید
به معنی، شمع جانم برفروزان
که گر دستم نگیری، رقتم از دست
به راه آور سرا، کافتادم از راه
تو را دانم به هر چیزی که دانم
گل و نوروز، خواجوی کرمانی

خداوندا، به حقّ نیک مردان
مکن ما را از این درگاه، محروم
زیبانی ده که اسرار تو گوید
دلّم در آتش غفلت مسوزان
کنون، گردست گیری، جای آن هست
مکن دورم ز نزدیکیان درگاه
تو را خوانم به هر رازی که خوانم

از توجه شما عزیزان سپاسگزاریم

گروه آموزشی ادبیات متوسطه اول شهرستان رودان اردیبهشت ۱۳۹۹

بزرگترین لذت در زندگی
انجام کاریست که دیگران
میگویند، تو نمی توانی!

